

بررسی تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو گروه دی هشت

با استفاده از مدل پانل پویای برآورد شده به روش GMM

Investigation the Effects of Privatization on Economic Growth in D-8 Countries, Using the Dynamic Panel Estimated by GMM Method

Shahram Arianmehr*, Abolfazl Yahyaabadi
(Ph.D.)**, Amir Hortamani (Ph.D.)***

شهرام آرین مهر*، دکتر ابوالفضل یحیی آبادی**،
دکتر امیر هرتمنی***

Received: 16/Apr/2013 Accepted: 19/Oct/2013

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۷

Abstract:

The transference of economic activities to the private sector and the government withdrawal of its economic activities are introduced as dominant solutions to today's economic problems and growth in countries, over the past two decades. This strategy -which takes place in order to return the government activities to the private sector known as privatization- can make fundamental changes in behavior and nature of the economic activities. Unlikely to the previous studies, which have been extremely done so far regarding the effects of privatization but in micro scale there are still few studies regarding the practical experiences of the privatization in different countries, in macro scale. This research demonstrates the effects of privatization on economic growth with controlling of critical Levine and Renelt (1992) growth models, as well as, empirical findings from previous studies, about D-8 countries, for the period between 2001-2009 and by using of the dynamic panel generalized method of moments (GMM). The results confidently prove that, as was expected, the privatization strategy has positive (although negligible) and significant impacts on economic growth in the mentioned countries.

Keywords: Privatization, Levine and Renelt (1992) Growth Model, D-8 Countries, Generalized Method of Moments (GMM).

JEL: O53, O40, C33.

* M.A. in Economics, Department of Economic Development and Planning, Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch, Young Researchers Club, Khomeini Shahr, Iran. (corresponding authour)

Email: Sh.arianmehr@yahoo.com

** Assistant Professor, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.

Email: yahyaabadi@iaukhsh.ac.ir

*** Assistant Professor, Islamic Azad University, Dehaghan, Isfahan, Iran. Email: amir_hortamani@yahoo.com

چکیده:

واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی و کناره‌گیری دولت از فعالیت‌های اقتصادی طی دو دهه اخیر به عنوان یکی از راه‌حل‌های مشکل اقتصاد امروز و افزایش رشد در کشورها عنوان شده است. این حرکت که در واقع در جهت بازگرداندن فعالیت‌های دولتی شده به بخش خصوصی صورت می‌پذیرد و تحت عنوان خصوصی سازی شناخته می‌شود، می‌تواند تحولات بنیادین در نحوه و ماهیت حرکت‌های اقتصادی به وجود آورد. برخلاف مطالعات نسبتاً زیادی که به بررسی اثرات خصوصی سازی در سطح خرد انجام شده، تاکنون مطالعات کمی به ارزیابی تجربی سیاست‌های خصوصی سازی در سطح کلان در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. این مقاله به بررسی اثرات خصوصی سازی بر رشد اقتصادی با کنترل عوامل تعیین‌کننده مدل رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲) و استفاده از یافته‌های تجربی مطالعات قبلی، برای کشورهای عضو گروه دی-هشت، در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۱، با استفاده از روش پانل پویای گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) پرداخته است. نتایج مطالعه حاکی از این واقعیت می‌باشد که مطابق انتظار، خصوصی سازی تأثیر مثبت (هرچند ناچیز) و معنی‌دار، بر رشد اقتصادی در کشورهای مزبور داشته است.

کلمات کلیدی: خصوصی سازی، مدل رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲)، کشورهای دی-هشت، روش گشتاورهای تعمیم‌یافته.

JEL: O53, O40, C33.

* شهرام آرین مهر (نویسنده مسئول) - دانش آموخته کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، خمینی شهر، ایران.

Email: Sh.arianmehr@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر اصفهان

Email: yahyaabadi@iaukhsh.ac.ir

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان اصفهان

Email: amir_hortamani@yahoo.com



۱- مقدمه

قرارگرفتن در مسیر رشد و توسعه اقتصادی، همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی برای کشورهای در حال توسعه بوده است، زیرا برای ارتقاء سطح زندگی افراد، باید شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بهبود یابد و این مهم جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشور میسر نیست.

از سویی راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آن‌ها به عنوان استراتژی توسعه، باید برای هر کدام از آن‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و نیز قابلیت‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد (رزمی و همکاران، ۱۳۹۰: صص ۱۶۲-۱۳۷). یکی از این سیاست‌ها، اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی توسط مسئولین و دولت‌مردان خواهد بود. به عبارتی، علاوه بر اینکه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی به عنوان زیربنای ضروری برای توسعه و رشد اقتصادی در نظر گرفته خواهد شد، نیز وسیله‌ای برای تغییر ساختار اقتصاد، نقش بیشتر واحدهای خصوصی و افزایش رقابت به شمار می‌رود (رضوی، ۱۳۸۳: صص ۲۲-۵).

در مطالعه حاضر تلاش بر این است با استفاده از روش پانل پویا با برآورد GMM^۱، و کنترل عوامل تعیین‌کننده مدل رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲) (و استفاده از نرم افزار استتا ۱۲ جهت برآورد مدل) به بررسی اثر خصوصی‌سازی و چند متغیر دیگر کلان اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو گروه دی-هشت (که شامل کشورهای اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه بوده و همگی در حال توسعه هستند) (منصف و همکاران، ۱۳۹۲: صص ۹۲-۷۳) و در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۱ پرداخته شود و این فرضیه مورد آزمون قرار گیرد که آیا خصوصی‌سازی در دوره مورد مطالعه دارای تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای مذکور بوده است یا خیر؟

ادبیات موضوع، مبانی نظری و پیشینه تحقیق محور بخش

دوم این مطالعه می‌باشند. گزینش متغیرهای مناسب، به همراه ارائه مدل و روش تحقیق بخش سوم مقاله را تشکیل می‌دهند. برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج در بخش چهارم خواهند آمد و سرانجام با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در بخش پنجم، مقاله به پایان می‌رسد.

۲- ادبیات موضوع، مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

۱-۲- ادبیات موضوع

حدود و چگونگی دخالت دولت در اقتصاد و منافع و مضار آن از موضوعاتی است که طی دهه‌های گذشته مورد بحث اقتصاددانان و نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است. طی دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۳۰، دولت‌ها با هدف از میان برداشتن نارسایی‌های بازار، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، تأمین کالاها و خدمات اساسی، دستیابی به اهداف سیاسی-اجتماعی و شتاب بخشیدن به توسعه، عهده‌دار بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی شدند.

در کشورهای در حال توسعه نیز به این دلیل که در این کشورها نظام سازمان‌یافته‌ای به نام بازار وجود ندارد تا توانایی تخصیص منابع را داشته باشد، دولت‌ها از جایگاهی ویژه در اقتصاد ملی برخوردار گردیدند.

پس از گذشت زمان، عملکرد نامطلوب تعداد زیادی از شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی منجر به این نتیجه شد که دولت اصولاً بازرگان خوبی نیست. از این رو از اواسط دهه ۱۹۷۰ تلاش گسترده‌ای جهت دستیابی به راه‌حل‌ها آغاز شد و اقدامات مختلفی جهت حل معضلات مبتلا به دستگاه‌های دولتی و پیامدهای تشکیل آن‌ها پیشنهاد شد. از جمله اقدامات مذکور می‌توان به استفاده از مکانیزم‌های بخش خصوصی در شرکت‌های دولتی در کوتاه و بلندمدت و نیز خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی اشاره کرد (نصراللهی و همکاران، ۱۳۸۸: صص ۵۹-۴۲).

نظریه جدید خصوصی‌سازی به عنوان سیاست اقتصادی، برای اولین بار توسط جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۵۷ به کار گرفته شد. در آن زمان دولت بخش عمده سهام فولکس واگن را به سرمایه‌گذاران خصوصی فروخت. حرکت بزرگ

۱۳۹۰: صص ۹۷-۱۱۲). از سویی دیگر، توجه و تعمق در الگوی موفق توسعه برخی کشورهای در حال توسعه، با تکیه بر نیروهای بخش خصوصی، مؤید این موضوع و مبین ارجحیت این الگو در مقام مقایسه با سایر الگوهاست. به گونه‌ای که خصوصی‌سازی، به عنوان یکی از عوامل برقراری مکانیزم بازار در اقتصادهای ملی و رهاسازی پتانسیل بخش خصوصی برای رشد، از مهم‌ترین عوامل توانمندی این کشورها و حتی ابزاری برای توسعه محسوب می‌شود. به عبارتی، این که بسیاری از کشورها با انجام برنامه‌های خصوصی‌سازی به مرحله توسعه‌یافتگی دست یافته‌اند نیز مصداقی بر این مدعاست. از این رو است که انگاره خصوصی‌سازی هدفمند و هوشمند، برای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که باید محور راهبردها و سرلوحه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای قرار گیرد.

از آن گذشته، با وجود چندین دهه از شروع خصوصی‌سازی برخلاف مطالعات نسبتاً زیادی که به بررسی اثرات خصوصی‌سازی در سطح خرد انجام شده، مطالعاتی که به اثرات اقتصاد کلان خصوصی‌سازی و به ویژه پیامدهای آن بر رشد می‌پردازند، هنوز هم اندک و پراکنده هستند و به نتایج مبهمی منجر شده‌اند. در مطالعه‌ی حاضر به بررسی اثرات خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی، برای کشورهای عضو گروه دی-هشت پرداخته شده است.

از سویی دیگر، هشت کشور مسلمان در حال توسعه -دربالایه‌ی گروه‌ی موسوم به گروه دی-هشت- متشکل از اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه می‌باشد که اعلام تشکیل این گروه در ژوئن ۱۹۹۷ و در استانبول ترکیه رسمیت یافت. در اولین اعلامیه سران (بیانیه استانبول)، مهم‌ترین هدف این گروه کمک به توسعه اقتصادی-اجتماعی این کشورها عنوان شده است. در این اعلامیه همکاری در قالب دی-هشت شامل تمامی زمینه‌ها از جمله هماهنگی و مشورت‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی و نیز همکاری در زمینه‌های تجارت، صنعت، ارتباطات، مالیه، بانکداری و خصوصی‌سازی، توسعه روستایی، علوم و فناوری،

بعدی خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۸۰، یعنی خصوصی‌سازی تلکام توسط مارگارت تاچر و خصوصی کردن بانک‌های بزرگ کشور فرانسه توسط شیراک بود. سهم عمده دیگر در فرایند خصوصی‌سازی جهان‌گستر، فروپاشی رژیم کمونیست در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق بود (مگینسون و همکاران^۱، ۱۹۹۴: صص ۴۵۲-۴۰۳).

خصوصی‌سازی علاوه بر اینکه به معنای بوجود آوردن نظام و ساختاری جدید (نظامی براساس عرضه و تقاضا در بازار) و در نتیجه دگرگونی و تحول در ابعاد مختلف اقتصاد می‌باشد، وسیله‌ای نیز برای افزایش کارایی عملیات یک مؤسسه اقتصادی است. زیرا فرایند عرضه و تقاضا و بازار در شرایط رقابتی باعث به کارگیری بیشتر عوامل تولید و در نتیجه تولید بیشتر و متنوع‌تر کالاها، خدمات و کاهش قیمت‌ها می‌شود (حیدری، ۱۳۸۳: ص ۴۲).

از سویی دیگر، اهداف خصوصی‌سازی با توجه به ویژگی‌های اقتصادی و موقعیت هر کشور با یکدیگر متفاوت است. اما در هر حال، در همه کشورهای که به خصوصی‌سازی پرداخته شده است، هدف اصلی، بهبود اوضاع و شرایط اقتصادی است. در کنار این هدف اصلی، اهداف دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد که عبارتند از: افزایش تولید ملی، دستیابی دولت به منابع مالی بخش خصوصی، صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت، تشویق رقابت، افزایش رفاه ملی و افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی، جلوگیری از انحصار آشکار (کیان‌پور، ۱۳۸۸: صص ۲۰-۲)، کاهش کسری بودجه دولت، ترویج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه بازار سرمایه داخلی و بهبود بهره‌وری بنگاه‌های تازه خصوصی‌سازی شده و کمک به رشد اقتصادی (بویکری و همکاران^۲، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶).

امروزه کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که در حال اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی نباشد و به جرأت می‌توان گفت که خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی قرن بیست و یکم است (رضایی دولت‌آبادی و همکاران،

1. Megginson et al. (1994)
2. Boubakri et al. (2009)



سوم، براساس نظریه‌ی مدعی باقیمانده^۵، مالکیت خصوصی، با به رسمیت شناختن حق ادعای باقیمانده (مازاد)، موجب ایجاد انگیزه حداکثرسازی سود می‌شود (مشیری، ۱۳۸۹: صص ۱۵۸-۱۴۱).

برخی نیز اهمیت نوع مالکیت در کارایی را مورد سؤال قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، روثن و چنگ^۶ (۱۹۹۳)، استحکام نظریه‌های خرد در توجیه خصوصی‌سازی را زیر سؤال برده و بر اهمیت اقتصاد سیاسی تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند که دولت‌هایی که بتوانند خودشان را از فشار رقابتی ناشی از بنگاه‌های خصوصی و عمومی دور نگه دارند، ممکن است بتوانند محیط رقابتی‌ای ایجاد کنند که در آن هر دو نوع مالکیت نتایج کارایی داشته باشند. ویلنر^۷ (۲۰۰۳) نیز، جریان بین‌المللی‌ای که برای محدود کردن مالکیت عمومی ایجاد شده است را از بُعد نظری و تجربی به چالش می‌کشد. وی در مطالعاتش به این نتیجه می‌رسد که کارایی هزینه در بنگاه‌های دولتی نه بهتر و نه بدتر از شرکت‌های خصوصی است. علاوه بر این وی با استناد به مباحث سازماندهی صنعتی ادعا می‌کند که وجود رقابت نیز منجر به موفقیت خصوصی‌سازی نمی‌شود (همان).

از سویی دیگر، منتقدان خصوصی‌سازی معتقدند که دلایل سنتی‌ای که به نفع مالکیت عمومی وجود دارند، یعنی آثار خارجی، انحصار طبیعی و نبود سرمایه خصوصی، همچنان از اهمیت برخوردارند و بنابراین نباید آن‌ها را به سادگی کنار گذاشت.

دیدگاه سیاسی خصوصی‌سازی، موسوم به نظریه انتخاب عمومی، استدلال می‌کند که بنگاه‌های دولتی ناکارآمد هستند. زیرا آن‌ها به عنوان ابزاری سیاسی برای به دست آوردن منافع سیاسی استفاده می‌شوند. به عبارت دیگر، مدیران دولتی با تحمیل اهداف سیاسی به شرکت‌های تحت مدیریتشان (مانند به حداکثر رساندن اشتغال برای اطمینان از آرای شهروندان)، در راستای دستیابی به اهداف سودآوری برای سیاست‌مداران بوده و از این رو با عدم توجه به کارایی بنگاه‌ها، موجبات

توسعه منابع روستایی و فقرزدایی، محیط زیست، بهداشت، جهانگردی، فرهنگ و ورزش می‌شود (نجارزاده و تاسان، ۱۳۹۰: صص ۱۱۸-۱۰۱).

۲-۲- مبانی نظری

همان‌طور که اشاره شد، خصوصی‌سازی به منزله یک تغییر ساختاری اساسی از مالکیت است، که از بخش عمومی به بخش خصوصی منتقل شده، و این تغییر مالکیت منجر به تغییراتی بنیادین در مشوق‌ها و انگیزه‌های اساسی مالکان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی و اهداف آن بنگاه‌ها می‌شود (بوبرکی و همکاران، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶). تأثیر بالقوه این تغییر مالکیت بر رشد اقتصادی در نظریه‌های اقتصادی به کار گرفته شده برای توجیه این تغییرات و اصلاحات، یعنی نظریه‌های حقوق مالکیت^۱ (در رابطه با حق مالکیت در اقتصاد خرد)، نظریه عامل اصلی^۲ و نظریه انتخاب عمومی^۳ ریشه دارد. در مرحله نخست، در راستای استفاده‌ی بهتر و کارآتر از منابع اختصاص داده شده‌ی ناشی از خصوصی‌سازی به افراد و سازمان‌ها، توجه به موضوع مالکیت (بمنظور جهت بخشیدن به تعیین حقوق مالکیت و ارتقای انگیزه‌های افراد) قابل اهمیت می‌باشد. از آنجا که عامه مردم هیچ ادعا و مطالباتی بر مالکیت دارایی‌های عمومی ندارند، و در پی آن نیز هیچ انگیزه‌ای جهت نظارت بر مدیران بنگاه‌های خصوصی‌سازی شده از جانب ایشان وجود ندارد، احتمال این که شرکت‌های عمومی ناکارآمد باشند، زیاد خواهد بود (همان).

از سویی دیگر، سیاست خصوصی‌سازی را می‌توان با استفاده از مباحث مربوط به مالکیت خصوصی و تخصیص منابع از طریق بازار در اقتصاد خرد نیز توجیه کرد. به طوری که، اول، طبق نظریه‌ی نئوکلاسیکی، مالکیت عمومی منجر به اتلاف و نابودی منابع می‌شود. دوم، با توجه به سهولت نقل و انتقال اطلاعات در بخش خصوصی، تصمیم‌گیری در بخش خصوصی کارآتر انجام می‌گیرد (هایک^۴، ۱۹۴۹: صص ۱۱۲).

5. Residual Claimant
6. Rowthorn and Chang (1993)
7. Willner (2003)

1. Property Rights theory
2. Principal Agent theory
3. Public Choice theory
4. Hayek (1949)

انتقال فناوری و در نتیجه بالا رفتن رشد اقتصادی می‌شود (همان).

همه‌ی این دیدگاه‌های اقتصاد خرد از خصوصی‌سازی نشان می‌دهد که انتظار بهبود عملکرد، کارایی و سودآوری در شرکت‌های تازه خصوصی شده، که در مجموعه‌های اقتصاد کلان و در نهایت در تقویت رشد اقتصادی منعکس خواهد شد، وجود دارد. این مرور خلاصه بر ابعاد نظری خصوصی‌سازی و ارتباط آن با کارایی و رشد اقتصادی، نشان می‌دهد که نمی‌توان به یک جمع‌بندی سازگار در این مورد دست یافت.

۲-۳- پیشینه تحقیق

زرین قلم (۱۳۸۴)، در رساله کارشناسی ارشد خود به ارزیابی پیامدهای کلان اقتصادی خصوصی‌سازی در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) با استفاده از روش OLS^۲ پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اگرچه به‌طور کلی براساس مقادیر اندازه‌گیری شده برای شاخص‌های اندازه دولت در اقتصاد و عملکرد شرکت‌های دولتی، سهم دولت در اقتصاد افزایش یافته، اما خصوصی‌سازی تأثیرات مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است.

مسعودی (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به ارزشیابی عملکرد خصوصی‌سازی و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی برنامه‌ی چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران طی دوره زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با استفاده از روش OLS پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیر خصوصی‌سازی تأثیر مثبتی بر متغیرهای کلان اقتصادی درآمد سرانه و نرخ بیکاری ایران داشته است. فقط علامت بدست‌آمده تأثیر خصوصی‌سازی بر روی سرمایه‌گذاری ثابت مخالف انتظارات نظری می‌باشد. این علامت نشان‌دهنده این است که خصوصی‌سازی نتوانسته است در افزایش سرمایه‌گذاری ثابت در ایران مؤثر واقع شود. این کاهش نشان‌دهنده این است که با افزایش خصوصی‌سازی علی‌رغم اینکه درآمد سرانه افزایش

ناکارآمدی بنگاه‌های دولتی را فراهم می‌آورند. از سویی دیگر، تنها با تغییری در مدیریت شرکت‌ها و قطع روابط بین اهداف اقتصادی شرکت‌ها و نفوذ سیاسی مدیران، می‌توان به بهبود عملکرد و بهره‌وری شرکت‌ها دست یافت.

دیدگاه مدیریتی خصوصی‌سازی بر مبنای استدلال نظریه نمایندگی^۱ در مورد مشوق‌ها و طرح‌های انگیزشی مدیران می‌باشد. براساس این نظریه، تغییر مالکیت، از مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی، با القای تغییری در اداره امور شرکت‌ها و سازوکارهایی که از طریق آن با ایجاد مشوق‌هایی مدیریت شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، می‌تواند به بهبود عملکرد بنگاه بیانجامد (بوبری و همکاران، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶).

براساس فرضیه مورد استفاده در برخی مطالعات انجام شده، خصوصی‌سازی با توجه به دو استدلال اساسی زیر می‌تواند رشد اقتصادی را متأثر نماید: اولاً از طریق کانالی غیرمستقیم و از جنبه‌ی اقتصاد خرد، و از طریق تأثیر بر کارایی، بهره‌وری و اداره‌ی بنگاه می‌تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد. به عنوان مثال ساختار مالکیت متمرکزتر و نظارت بهتر از سوی مدیران در بخش خصوصی، منجر به بهبود قابل ملاحظه در بهره‌وری بنگاه شده و نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. ثانیاً خصوصی‌سازی می‌تواند از طریق یک کانال مستقیم و تأثیر بر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، که به عنوان نهاده‌هایی برای رشد اقتصادی شناخته می‌شوند، بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال درآمدهای ناشی از خصوصی‌سازی که عاید دولت می‌شود (و می‌تواند ناشی از کاهش یارانه‌های اعطایی دولت به بنگاه‌های دولتی و یا درآمد حاصل از فروش بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی باشد)، می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته توسط دولت در زیرساخت‌ها، کاهش کسری بودجه و... شود. از سویی دیگر، با دادن مجوز به سرمایه‌گذاران خارجی جهت مشارکت در فرایند خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور افزایش می‌یابد که این امر به احتمال زیاد منجر به بهبود بهره‌وری، افزایش رقابت، سرمایه بیشتر،



خارجی، بدهی‌های ملی، و حقوق مالکیت بر متغیر خصوصی سازی با استفاده از نمونه‌ای از ۹۲ کشور در حال توسعه در طول دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ با استفاده از روش OLS می‌پردازد. نویسنده حجم خصوصی سازی را تحت عنوان کل درآمد حاصل از خصوصی سازی در طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۹ و به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ اندازه گیری می‌کند. او درمی یابد که خصوصی سازی بطور منفی، اگر چه بطور ناچیزی، با رشد در ارتباط است (فیلیپوویچ، ۲۰۰۵: صص ۲۲-۱).

آدامز^۴ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۱ پرداخته است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که خصوصی سازی به رشد کمی نمی‌کند، بلکه نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد. نیز تورم به طور منفی هر دوی رشد اقتصادی و برابری درآمد را تحت تأثیر قرار داده و وجود زیرساخت‌های حکومتی رشد اقتصادی را در طول دوره مورد مطالعه افزایش می‌دهد. نتایج گزارش شده، منجر به رد این فرضیه که خصوصی سازی افزایش رشد اقتصادی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ را در پی داشته، می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که وجود بازاری در حمایت از مؤسسات، به جای خصوصی سازی، می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد داشته باشد (آدامز، ۲۰۰۶: صص ۳۲۰-۲۹۵).

بنیت و همکاران^۵ (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "روش‌های خصوصی سازی و رشد اقتصادی در اقتصادهای در حال گذار"، با استفاده از روش اثرات ثابت و روش داده‌های پانل پویا برای تخمین یک مدل رشد بین‌کشوری، از داده‌های ۲۳ کشور در حال گذار برای دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ استفاده نمودند. آن‌ها دریافتند که تنها خصوصی سازی از طریق عرضه عمومی سهام شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، بطور معنی داری در ارتباط مستقیم با رشد اقتصادی می‌باشد. اما سایر روش‌های خصوصی سازی تأثیر معنی داری بر رشد

یافته است، این درآمدهای اضافی به جای اینکه صرف افزایش سرمایه‌گذاری شود، به مصرف و پس‌انداز اختصاص داده شده است.

مشیری (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای با استفاده از یک مدل رشد درونزای تجربی به بررسی اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی ۱۱۷ کشور در حال گذار و در حال توسعه در دوره‌ی زمانی (۱۹۹۸-۲۰۰۳)، و در سه حالت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پرداخته است. نتایج برآوردها با روش OLS و 2SLS^۱ نشان می‌دهد که اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی خنثی است. همچنین نتایج نشان می‌دهند که سازگاری و تداوم اجرای سیاست خصوصی سازی، وجود محیط رقابتی و شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها، تأثیری مهم‌تر از خصوصی سازی بر رشد اقتصادی دارند (مشیری، ۱۳۸۹: صص ۱۵۸-۱۶۱).

کوک و یوچیدا^۲ (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای که برای ۶۳ کشور در حال توسعه و در دوره زمانی ۱۹۸۸-۱۹۹۷ انجام دادند، با استفاده از روش OLS، ارتباطی منفی بین خصوصی سازی و رشد اقتصادی استنتاج کردند. در این مطالعه بعضی از ناکامی‌های خصوصی سازی در اثرگذاری مثبت بر نرخ رشد اقتصادی، به ساختارهای اقتصادی کشورها و سازمان‌های مد نظر و با در نظر گرفتن متغیرهای توضیحی دیگر ارتباط داده شده است. از نظر محققین مذکور، خصوصی سازی به عنوان یک سیاست برای حصول رشد اقتصادی بایستی با در نظر گرفتن دیگر سیاست‌های اقتصادی در یک کشور تحلیل شود. ایشان یک عامل برای این ارتباط منفی را فقدان رقابت در بخش‌های خصوصی سازی شده در کشورهای در حال توسعه دانستند و بیان داشتند باید به میزان رقابت در بین سازمان‌های خصوصی سازی شده اهمیت داد (کوک و یوچیدا، ۲۰۰۳: صص ۱۵۴-۱۲۱).

فیلیپوویچ^۳ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی"، به بررسی این موضوع با استفاده از تحلیل رگرسیون رشد بین کشوری و با در نظر گرفتن اثرات متقابل متغیرهای رقابت، سرمایه‌گذاری مستقیم

1. Two Stage Least Squares
2. Cook & Uchida (2003)
3. Filipovic (2005)

4. Adams (2006)
5. Bennett et al. (2006)

صص ۵۷۵-۵۵۷).

آدامز و منگیستو^۳ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای که در راستای بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد در ۸۲ کشور در حال توسعه، و با استفاده از روش LSDV^۴ و برای دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲ صورت دادند، دریافتند خصوصی‌سازی تأثیر معنی‌داری بر هر دو متغیر رشد اقتصادی و نابرابری درآمد نداشته است. علاوه بر این، یک نظارت و طرز اداره مناسب از سوی مدیران بخش خصوصی، تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی و تأثیری منفی بر نابرابری درآمد (در نتیجه کاهش نابرابری درآمد) دارد، در حالی‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر ناچیزی بر رشد اقتصادی و اما تأثیر مثبتی در جهت افزایش نابرابری درآمد دارد. نتایج مطالعه اشاره می‌کند ویژگی‌های مشخصه خاص کشور ممکن است در تقویت رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد بسیار مهم‌تر از هر سیاست اقتصادی دیگر باشد (آدامز و منگیستو، ۲۰۰۹: صص ۴۳۸-۴۱۵).

مشیری و آبدو (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "خصوصی‌سازی، مقررات و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: یک تحلیل تجربی"، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت، که توسط خصوصی‌سازی اندازه‌گیری می‌شود، و مقررات بر رشد اقتصادی تعدادی از اقتصادهای در حال گذار و در حال توسعه در طول دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۸ می‌پردازند. نویسندگان با استفاده از چندین مشخصه اقتصادسنجی شامل اثرات ثابت و دوره‌های زمانی و ... به برآورد یک مدل رشد پانل بین کشوری^۵ و نیز استفاده از مجموعه‌ای از داده‌های جدید و بسط داده شده می‌پردازند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد در حالی‌که تأثیر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی تا حد زیادی خنثی است، مقررات به داشتن اثری مثبت و معنی‌دار بر رشد عملکرد و کارایی تمایل دارند (مشیری و آبدو، ۲۰۱۰: صص ۱۰۶-۷۹).

مدنی و بکمادوویچ^۶ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با استفاده از

اقتصادی ندارند. علاوه بر این، هیچ یک از دو متغیر توسعه‌ی بخش خصوصی و توسعه بازار سرمایه تأثیر معنی‌دار و بااهمیتی بر رشد اقتصادی ندارند (بنت و همکاران، ۲۰۰۶: صص ۶۸۳-۶۶۱).

سلوام و راجان^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی در مورد مسائل مختلف اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته با اشاره به اتیوپی می‌پردازند. این مقاله با استفاده از داده‌های بیش از ۱۰ سال، از ۱۹۹۵-۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳-۲۰۰۴ و به کار بستن تجزیه و تحلیل همبستگی و رگرسیون براساس مدلی بر خلاف عقاید عمومی، برای یافتن تأثیر برنامه خصوصی‌سازی اتیوپی بر رشد اقتصادی استفاده می‌کند. شش موضوع اقتصادی اصلی انتخاب شده برای این مطالعه عبارت بودند از: رشد تولید ناخالص داخلی، کسری بودجه، بدهی خارجی، درجه باز بودن، کسری بودجه جاری و تجاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی. نتایج تجربی نشان می‌دهد که اثر خصوصی‌سازی بر این متغیرهای اقتصادی به‌طور کلی شکننده و ضعیف است و بیانگر تأثیر ناچیز و بی‌معنی خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی کشور است. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که بینش جدید و تازه از خصوصی‌سازی بر حسب اندازه و سرعت آن، همراه با اصلاحات اقتصادی کامل، برای اجرای خصوصی‌سازی مؤثر و با نفوذ، با توجه به مسائل اقتصادی کشور، مورد نیاز است (سلوام و راجان، ۲۰۰۸: صص ۷۹-۵۷).

آبدو و مشیری^۲ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "خصوصی‌سازی و تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه: یک تحلیل تجربی"، به بررسی این موضوع برای ۱۰۵ کشور در حال توسعه و برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۸۸، با استفاده از دو روش OLS و 2SLS در سه چارچوب زمانی پرداختند. یافته‌های آن‌ها بیانگر این است که تأثیر خصوصی‌سازی بر تشکیل سرمایه در میان نواحی و چارچوب‌های زمانی متفاوت است. بطور کلی خصوصی‌سازی نسبت به سرمایه‌گذاری بی‌اثر است (آبدو و مشیری، ۲۰۰۹:

3. Adams and Mengistu (2009)

4. Least Squares Dummy Variable

5. A cross-country panel growth model

6. Madani and Bekmamadovich (2012)

1. Selvam & Rajan (2008)

2. Abdoua and Moshiri (2009)



پهناوری از مطالعات رشد بر آن‌ها متمرکز شده، همچون متغیرهای اقتصاد کلان (نظیر سرمایه‌گذاری)، متغیرهای سیاسی (نظیر انقلاب‌ها، کودتاها و آزادی‌های مدنی)، متغیرهای سیاست مالی (همچون مخارج دولت و درآمدهای مالیاتی)، متغیرهای سیاست پولی (همچون نرخ رشد عرضه پول و انحراف معیار تورم) و متغیرهای تجاری (همچون درجه باز بودن و نرخ ارز بازار سیاه)، بر رشد اقتصادی می‌پردازند که علت این تمایز قائل شدن بین دو متغیر Z و I نیز بدلیل فوق است. همچنین در این مطالعه، محققان از طبقه‌بندی مطالعات نظری گذشته، برای بررسی نحوه اثرگذاری تنوعی از متغیرهای اقتصادی‌ای که در رگرسیون‌های رشد بین‌کشوری استفاده شده‌اند، بهره می‌برند. به عقیده لوین و رنلت بیش از ۵۰ متغیر، در حداقل یک رگرسیون، یافت شده‌اند که به‌طور معنی‌داری با رشد اقتصادی در ارتباط هستند. آن‌ها با استفاده از روش داده‌های مقطعی بین‌کشورها و استفاده از داده‌های ۱۱۹ کشور، در دوره زمانی ۱۹۸۹-۱۹۶۰، با وارد نمودن متغیرهای توضیحی مستقل و خطی، از معادله رگرسیونی (۱) استفاده نمودند:

$$Y = \beta_I I + \beta_M M + \beta_Z Z + u \quad (1)$$

به‌طور کلی الگوی مد نظر در این مطالعه، شامل متغیرهای استاندارد است که در ادبیات کاربردی رشد و برخی مطالعات پیشین از آن‌ها استفاده شده است. در این مطالعه، مطابق با مطالعات کوک و یوچیدا (۲۰۰۳)، فیلیپوویچ (۲۰۰۵)، بوبکری و همکاران (۲۰۰۹) و ... و برخی متغیرهای مؤثر در مدل رشد لوین و رنلت (۱۹۹۲)، الگوی رگرسیونی به‌صورت کلی زیر در نظر گرفته شده است (بوبکری و همکاران، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶).

$$GDP\text{CAPITA} = f\left(\begin{matrix} GDP\text{CAPITA}(-1), PRIVATE, \\ SAVE, POPGROWTH \end{matrix}\right) \quad (2)$$

$$\frac{\partial(PRIVATE)}{\partial(GDP\text{CAPITA})} > 0, \quad \frac{\partial(POPGROWTH)}{\partial(GDP\text{CAPITA})} < 0,$$

$$\frac{\partial(SAVE)}{\partial(GDP\text{CAPITA})} > 0,$$

$GDP\text{CAPITA}$: رشد اقتصادی، که در این مطالعه از رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (درآمد سرانه) استفاده شده است. براساس روش مورد استفاده در مطالعات قبلی، رشد اقتصادی با لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه (درآمد سرانه) اندازه

روش OLS به بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی و تورم در ایران، برای دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۶۰ پرداختند. نتایج برآورد حاکی از آن است که ارتباط معنی‌داری بین خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی برای ایران وجود ندارد. همچنین خصوصی‌سازی دارای اثری منفی بر تورم در اقتصاد ایران در طول دوره مورد مطالعه بوده است (مدنی و بک‌مادوویچ، ۲۰۱۲: صص ۳۳۶۳-۳۶۶۰).

همان‌طور که مشاهده گردید مطالعات متعددی در رابطه با موضوع خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی صورت پذیرفته که به نتایج متفاوتی نیز انجامیده‌اند. وجه تمایز مطالعه حاضر با سایر مطالعات صورت گرفته در این می‌باشد که تا زمان تدوین و نگارش این مطالعه هیچ یک از محققان داخلی از روش پانل پویا در تحقیقات خود برای بررسی فرضیه مطرح شده با شاخص‌های مورد نظر در این مطالعه و در رابطه با کشورهای مد نظر این مطالعه (علی‌الخصوص ایران) استفاده نکرده‌اند و تنها تعداد محدودی از پژوهشگران خارجی از این روش اقتصادسنجی در بررسی‌های خود بهره برده‌اند.

۳- گزینش متغیرهای مناسب، ارائه مدل و روش

تحقیق

۳-۱- گزینش متغیرهای مناسب و ارائه مدل

گزینش متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه براساس یافته‌های تجربی مطالعات قبلی و مباحث تئوریک، همچنین مطالعه لوین و رنلت^۱، صورت گرفته است (لوین و رنلت، ۱۹۹۲: صص ۹۶۳-۹۴۲). ایشان متغیرهایی را که تأثیرشان بر رشد اقتصادی (رشد اقتصادی، Y)، در این مطالعه رشد تولید ناخالص داخلی سرانه یا سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی است، توسط تعداد زیادی از محققان به اثبات رسیده است با Z و متغیرهایی که معمولاً در بیشتر رگرسیون‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند با I و شاخص‌های متفاوتی را که بتوانند معیار قابل قبولی برای توصیف نرخ بهره باشند با عنوان M در نظر گرفتند. به عبارتی، محققین در این مطالعه به بررسی و تحلیل حساسیت تعداد زیادی از متغیرهایی که مجموعه

1. Levine and Renelt (2012)

یک کشور ممکن است اثرات مثبت اجرای سیاست‌های اقتصادی در جهت تقویت رشد اقتصادی را کم‌اهمیت نماید. علاوه بر این، یافته‌های ساویدس^۷ (۱۹۹۵: صص ۴۵۸-۴۴۹)، کوک و یوچیدا (۲۰۰۳: صص ۱۵۴-۱۲۱) و آدامز (۲۰۰۶: صص ۳۲۰-۲۹۵) نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت بالای کشور رشد اقتصادی را کند می‌نماید. به‌منظور بررسی این اثرات در مدل رشد مورد نظر، نرخ رشد جمعیت وارد خواهد شد. انتظار خواهد رفت رابطه‌ای منفی بین رشد جمعیت و رشد اقتصادی وجود داشته باشد (بوبری و همکاران، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶).

در رابطه با اینکه علت وارد کردن وقفه‌ها چیست، می‌توان گفت، مقادیر با وقفه‌ی متغیرهای توضیحی یا متغیر وابسته به معنی این است که ساختار مدل به صورت پویا تبدیل شده است. یکی از دلایل مهمی که در این زمینه وجود دارد، کندی تعدیل متغیر وابسته است. اغلب اوقات تغییرات متغیر توضیحی اثر خود را به‌طور آنی بر متغیر وابسته نمی‌گذارد، بلکه اثرات آن نیاز به گذشت زمان دارد. به عنوان مثال تغییر در سیاست دولت ممکن است نیاز به گذشت چند ماه یا سال داشته باشد تا بتواند اثرات خود را بر متغیرهای اقتصادی بگذارد. همچنین در بازارهای مالی مانند بورس وقتی تغییری رخ می‌دهد و به صورت اطلاعات جدید دریافت می‌شود، افراد به‌طور آنی به آن واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه به صورت تدریجی خود را با آن تطبیق می‌دهند. سرعت و مقدار واکنش آن‌ها همچنین بستگی به این دارد که آیا آن‌ها تغییرات را دائمی می‌دانند یا موقتی. همچنین تأخیر در واکنش ممکن است ناشی از عوامل نهادی و فنی باشد. به عنوان مثال وجود تکنولوژی پیشرفته می‌تواند به سرعت خرید و فروش سهام کمک نماید و از این رو واکنش‌ها را سریع‌تر خواهد نمود (سوری، ۱۳۸۹: ص ۹۸).

۳-۲- روش تحقیق

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)

بسیاری از روابط اقتصادی به‌طور طبیعی پویا هستند و یکی از مزایای داده‌های تابلویی در رگرسیون‌های بین‌کشوری این

گرفته شده است (بارو^۱، ۱۹۹۱: صص ۴۴۳-۴۰۷). این ارقام در قیمت‌های ثابت ۲۰۰۰ و تبدیل شده به دلار آمریکا با استفاده از نرخ ارز رایج در بازار ارز بین‌المللی اندازه گرفته شده است. $GDPCAPITA(-1)$: مقدار باوقفه تولید ناخالص داخلی سرانه خواهد بود، که با توجه به روش مورد استفاده (GMM)، این متغیر به عنوان یک متغیر توضیحی در مدل برآوردی قرار می‌گیرد.

PRIVATE: متغیر خصوصی‌سازی، که عبارتست از عایدات سالانه ناشی از فروش بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی؛ به عبارتی برای انجام تجزیه و تحلیل تجربی در این مطالعه، کل درآمدهای حاصل از فروش بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، به عنوان یک نماینده و جایگزین برای حجم خرید و فروش خصوصی‌سازی به کار برده می‌شود. کوک و یوچیدا (۲۰۰۳) و بارت^۲ (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که این متغیر یک مقیاس خوب از حجم و میزان خصوصی‌سازی بوده و یک مقیاس مناسب از تغییر مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی را فراهم می‌کند.

SAVE: نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی بوده؛ به‌طور کلی در ادبیات رشد اقتصادی به خوبی پذیرفته شده است که نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی یک تعیین‌کننده اصلی رشد اقتصادی است (سولو^۳، ۱۹۵۶: صص ۹۴-۶۵؛ کوپمان^۴، ۱۹۶۵: صص ۳۰۰-۲۲۵ و رومر^۵، ۱۹۸۶: صص ۱۰۳۷-۱۰۰۲). به گونه‌ای که نرخ‌های پس‌انداز بالاتر بر تراکم سرمایه بالاتر اشاره می‌کنند که یک منبع اصلی رشد اقتصادی می‌باشد. نسبت پس‌انداز در این مطالعه با نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. انتظار خواهد رفت این ضریب مثبت باشد.

POPGROWTH: رشد جمعیت؛ بورنشیر و همکاران^۶ (۱۹۷۸: صص ۶۸۳-۶۵۱) استدلال می‌کنند که نرخ رشد بالاتر جمعیت

1. Barro (1991)
2. Barnett (2000)
3. Solow (1956)
4. Koopman (1965)
5. Romer (1986)
6. Bornschieer et al. (1978)

7. Savvides (1995)



و نرخ رشد رابطه‌ای دوطرفه وجود دارد (یعنی علاوه بر اینکه متغیرهای توضیحی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند، از آن نیز تأثیر می‌پذیرند). برای حل این مسائل، ارلانو و باند^۵ (۱۹۹۱: صص ۲۹۷-۲۷۷) تخمین زننده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته تفاضلی مرتبه اول را پیشنهاد کردند که شامل حذف اثرات ویژه فردی مستقل از زمان η_i با گرفتن تفاضل مرتبه اول از معادله (۳) است. با انجام این عمل رابطه زیر بدست خواهد آمد:

(۴)

$$Y_{i,t} - Y_{i,t-1} = \beta(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2}) + \gamma(X_{i,t} - X_{i,t-1}) + (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$$

در این حالت $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ دارای همبستگی هستند (بوبری و همکاران، ۲۰۰۹: صص ۴۴-۱۶). تخمین حداقل مربعات معمولی معادله (۴)، تخمین سازگار و بدون تورشی از β را بدست نمی‌دهد. از این رو باید ابزار معتبری را برای $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ پیدا کرد. با فرض اینکه (الف) جملات خطا به صورت سریالی همبسته نیستند:

$$E[\varepsilon_{i,t} \varepsilon_{i,s}] = 0 \quad \text{for } i=1, \dots, N \text{ and } s \neq t \quad (5)$$

و (ب) حالات اولیه $Y_{i,t}$ از قبل تعیین شده هستند:

$$E[Y_{i,t} \varepsilon_{i,t}] = 0 \quad \text{for } i=1, \dots, N \text{ and } t \geq 2 \quad (6)$$

ارلانو و باند (۱۹۹۱) محدودیت‌های گشتاوری زیر را بیان می‌کنند:

$$E[Y_{i,s} (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})] = 0, \text{ for } i=3, \dots, T, \text{ and } s \geq 2 \quad (7)$$

از آنجا که مقادیر دو دوره و یا بیشتر وقفه‌دار $Y_{i,t}$ با $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ و نه با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ همبسته هستند، می‌توان آن‌ها را به عنوان ابزارهای معتبری برای معادله در نظر گرفت. با توجه به متغیرهای توضیحی، $X_{i,t}$ ، سه حالت ممکن وجود دارد (همان):

الف) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ اکیداً برونزا باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با همه مقادیر گذشته، حال و آینده جملات خطا ناهمبسته باشند)، از این رو همه مقادیر گذشته، حال و آینده $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله (۴) هستند.

است که به محققین اجازه می‌دهد که پویایی‌های تعدیل را بهتر درک کنند. این روابط پویا با حضور متغیر وابسته وقفه‌دار در بین متغیرهای توضیحی مشخص می‌شوند^۱، یعنی:

(۳)

$$Y_{i,t} = \alpha + \beta Y_{i,t-1} + \gamma X_{i,t} + \eta_i + \varepsilon_{i,t}$$

$$i = 1, 2, 3, \dots, N, \quad t = 1, 2, 3, \dots, T$$

Y متغیر وابسته، که در این مطالعه رشد اقتصادی می‌باشد، X مجموعه‌ای از متغیرهای توضیحی، η_i اثر ویژه فردی مستقل از زمان، $\varepsilon_{i,t}$ جمله خطا و i و t نشان‌دهنده واحد مشاهده و زمان می‌باشند.

در تخمین معادله (۳) سه موضوع اقتصادسنجی مهم وجود دارد. مورد اول مربوط به معرفی متغیر وابسته وقفه‌دار و نیز اثرات فردی مشاهده نشده مستقل از زمان در سمت راست معادله است. شیانو^۲ (۱۹۸۶) نشان می‌دهد که با حذف اثرات فردی ثابت در مدل داده‌های پانل پویا، تخمین‌های حداقل مربعات معمولی تخمین‌هایی با تورش و ناسازگار خواهند بود. برای مثال، احتمالاً همبستگی مثبت بین متغیر وابسته وقفه‌دار $Y_{i,t}$ و اثرات ثابت حذف شده η_i می‌تواند ضرایب تخمین β را به سمت بالا تورش‌دار کند. از طرف دیگر، نیکل^۳ (۱۹۸۱: صص ۱۴۱۶-۱۳۹۹) نشان می‌دهد که تخمین زننده‌های درون‌گروهی^۴ که یک تکنیک تخمین جایگزین برای در نظر گرفتن اثرات ثابت است، تخمین β که به سمت پایین تورش‌دار است را در مدل‌های پانل ارائه می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود که تخمین سازگار و بدون تورش از β ، بین تخمین سطوح حداقل مربعات معمولی و تخمین درون‌گروهی قرار گیرد. موضوع دوم از درونزا بودن بالقوه متغیرهای توضیحی منتج می‌شود. با توجه به معادله (۳) متغیرهای سمت راست درونزا می‌باشند، بنابراین درونزا بودن متغیرهای توضیحی برای اجتناب از تورش بالقوه که به وسیله سیستم‌های همزمان پدیدار می‌شود، بایستی کنترل شود. موضوع سوم، مشکل سیستم‌های همزمان می‌باشد. به عنوان مثال بین سرمایه‌گذاری

۱. در این الگوها متغیرهای با وقفه هم وارد شده و بیانگر تأثیرگذاری عامل زمان و نیز پویایی تحلیل می‌باشد.

2. Hsiao (1986)

3. Nickell (1981)

4. Within Groups Estimators

5. Arellano and Bond (1991)

$$\alpha_4 \text{LOG}(\text{POPGROWTH}) + U_t$$

اولین اقدام در برآورد الگوی مورد نظر، بررسی ایستایی متغیرهاست. این آزمون براساس یکی از آزمون‌های مطرح شده در خصوص داده‌های پانل صورت گرفته است. نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیرها براساس آزمون لوین-لین و چاو در جدول (۱) مشاهده می‌شود. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۱) و براساس آزمون لوین-لین و چاو، نبود ریشه واحد در متغیرهای اشاره شده پذیرفته می‌شود. به بیان دیگر آزمون مورد نظر نشان می‌دهد که تمام متغیرهای مورد نظر مانا و در سطح ایستا هستند.

جدول (۱): نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها با استفاده از آزمون

لوین-لین و چاو

متغیر	آماره	احتمال
LOG (GDPCAPITA)	-۶.۰۲۴۶۵	۰.۰۰۰۰
LOG (PRIVATE)	-۶.۴۱۱۳۰	۰.۰۰۰۰
LOG (SAVE)	-۱۱۳۰۱۵	۰.۰۰۰۰
LOG (POPGROWTH)	-۲۳.۱۳۳۳	۰.۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های محقق

۴-۲- آزمون معنی‌داری اثرات گروه (آزمون F):

به منظور تخمین معادله‌ی ۸ ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های ترکیبی (پانل) یا مقطعی تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره‌ی F استفاده شد. از سویی دیگر، در روش داده‌های تابلویی لازم است که در ابتدا همگن یا ناهمگن بودن واحدها (مقاطع یا کشورها) مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که مقاطع همگن باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده (Pooled Least Squares) استفاده کرد، در غیراین صورت استفاده از روش اثرات ثابت ضرورت دارد. به عبارت دیگر لازم است که معنی‌داری اثرات ثابت به روش آزمون F انجام شود.

(۹)

$$F_{(N-1, NT-N-K)} = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2)/(N-1)}{(1 - R_{UR}^2)/(NT-N-K)}$$

N تعداد مقاطع، کشورها یا واحدها، K تعداد متغیرهای

(ب) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ از پیش تعیین شده باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و نه با مقادیر حال و آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر یک و یا بیشتر وقفه‌دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله (۴) هستند.

(ج) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ درونزا باشند (یعنی فرض شود مقادیر متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و حال و نه آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر دو و یا بیشتر وقفه‌دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبر و قابل اعتمادی برای معادله (۴) هستند (همان).

سازگاری تخمین‌زننده GMM به معتبر بودن ابزارها

بستگی دارد که می‌تواند به وسیله آزمون‌های تصریح شده توسط ارلانو و بوور^۱ (۱۹۹۵: صص ۵۱-۲۹) و بلوندل و باند^۲ (۱۹۹۸: صص ۱۴۳-۱۱۵) و ارلانو و باند (۱۹۹۱: صص ۲۹۷-۲۷۷) آزمون شود. اولی آزمون سارگان^۳ است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. دومی آزمونی است که مرتبه خودهمبستگی جملات خطا را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم خودهمبستگی در جملات خطای تفاضل‌گیری شده و معتبر بودن ابزارها فراهم خواهد نمود (همان).

۴- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

۴-۱- آزمون ایستایی متغیرها

فرم کلی مدل مورد استفاده در این مطالعه به صورت لگاریتمی و معادله کلی ۸ در نظر گرفته می‌شود. مزیت گرفتن لگاریتم از متغیرها این است که علاوه بر انجام بهتر برآورد مدل، می‌توان نتایج حاصل را به صورت کشش تعبیر و تفسیر نمود. به گونه‌ای که ضرایب متغیرها نشان‌دهنده کشش آن متغیر نسبت به متغیر وابسته و یا رشد اقتصادی می‌باشند.

(۸)

$$\begin{aligned} \text{LOG}(\text{GDPCAPITA}) = & \\ & \alpha_0 + \alpha_1 \text{LOG}(\text{GDPCAPITA}(-1)) + \\ & \alpha_2 \text{LOG}(\text{PRIVATE}) + \alpha_3 \text{LOG}(\text{SAVE}) + \end{aligned}$$

1. Bover (1995)

2. Blundell and Bond (1998)

3. Sargan Test



تصادفی و استفاده از متغیرهای مطرح شده در بخش قبل برای کشورهای عضو گروه دی-هشت، مدل تجربی در این تحقیق با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته و با استفاده از متغیرهای مطرح شده در بخش ۳-۱ (گزینه متغیرهای مناسب) تخمین زده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل مورد نظر با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته به صورت ارائه شده در معادله کلی ۱۰ و جدول ۳ می باشد:

جدول (۳): نتایج حاصل از برآورد معادله به روش گشتاورهای

تعمیم یافته (متغیر وابسته): $\text{LOG}(\text{GDPCAPITA})$

متغیر	ضریب	انحراف معیار	Z آماره	احتمال
Cons	۳.۱۰۳۰۳۳	۱.۵۷۸۱۰۱	۱.۹۷	۰.۰۴۹
$\text{LOG}(\text{GDPCAPITA}(-1))$	۰.۴۹۷۰۲۷۲	۰.۲۲۷۵۳۱۳	۲.۱۸	۰.۰۲۹
$\text{LOG}(\text{PRIVATE})$	۰.۰۰۶۵۴۰۶	۰.۰۰۳۳۲۱۵	۱.۹۷	۰.۰۴۹
$\text{LOG}(\text{SAVE})$	۰.۲۳۱۷۴۵۱	۰.۱۱۰۰۱۰۳	۲.۱۱	۰.۰۳۵
$\text{LOG}(\text{POPGROWTH})$	-۰.۸۵۸۴۴۸	۰.۳۸۳۳۴۷۲	-۲.۲۴	۰.۰۲۵

Chi2(7)=0.5028822
Prob>chi2 = 0.994 esstat Sargan:
Prob>chi2 = 0.0000 Wald chi2(4) = 22740.02

مأخذ: یافته های محقق

(۱۰)

$$\begin{aligned} \text{LOG}(\text{GDPCAPITA}) = & 3.103033 + 0.4970272\text{LOG}(\text{GDPCAPITA}(-1)) + \\ & 0.0065406 \text{LOG}(\text{PRIVATE}) + \\ & 0.2317451 \text{LOG}(\text{SAVE}) - \\ & 0.858448 \text{LOG}(\text{POPGROWTH}) + U_t \end{aligned}$$

براساس نتایج آزمون والد که از توزیع کای دو با درجات آزادی معادل تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر، مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معنی داری ۱ درصد رد می شود. در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می شود.

در ارتباط با مدل گشتاورهای تعمیم یافته، با توجه به مطالب ارائه شده در بخش ۳-۲، مهم ترین آزمون، آزمون سارگان می باشد که در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از انتخاب مناسب متغیرهای ابزاری مورد استفاده در این مدل و تأیید انتخاب این متغیرهای ابزاری می باشد.

آماره ی آزمون سارگان نیز که از توزیع کای دو با درجات

توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است. روش اثرات ثابت به عنوان مدل غیرمقید (UR) و مدل Pooling به عنوان مدل مقید (R) می باشد. رد فرضیه صفر بیانگر معنی داری اثرات ثابت و استفاده از روش اثرات ثابت خواهد بود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹: صص ۱۴۴-۱۴۳).

با توجه به اینکه میزان آماره F محاسبه شده برابر با ۱۱۲۷.۳۷ بدست آمده و از آماره F جدول بزرگ تر بود، لذا با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، فرضیه ی صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می شود و در نتیجه رگرسیون مقید (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبدهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) را در مدل لحاظ کرده و در نتیجه از روش داده های پانل یا تابلویی استفاده نمود.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون F

آزمون	مقدار	احتمال	نتیجه
آزمون F	۱۱۲۷.۳۷	۰.۰۰۰۰	با سطح اطمینان بالای ۹۹٪، فرضیه ی صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می شود و در نتیجه رگرسیون مقید (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبدهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) را در مدل لحاظ نمود و مدل را بایستی با استفاده از روش های پانل برآورد نمود.

مأخذ: یافته های محقق

با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیرگذاری خصوصی سازی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه دی-هشت با استفاده از روش پانل پویای گشتاورهای تعمیم یافته می باشد، از آوردن نتایج حاصل از برآورد اثرات ثابت و تفسیر مفصل این نتایج اجتناب شده و تنها به گزارش اجمالی نتیجه آزمون F در جدول ۲ اکتفا می شود:

۴-۳- برآورد مدل با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته

علاوه بر برآورد مدل با استفاده از تخمین زن های اثرات ثابت و

اقتصادی، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که با افزایش هر یک درصد در میزان خصوصی‌سازی در کشورهای گروه دی-هشت، رشد اقتصادی به میزان معادل ۰.۰۰۶ درصد افزایش یافته، که حاکی از اثر مثبت و بسیار ناچیز خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی کشورهای این گروه و تأیید فرضیه اساسی این پژوهش، که مبنی بر تأثیرگذاری مثبت خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی در طول دوره مورد مطالعه بود، می‌باشد. بنا بر مبنای نظری ارائه شده در بخش دوم این مطالعه، این افزایش در خصوصی‌سازی از مجاری متعددی می‌تواند باعث اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه دی-هشت گردد، که توضیح مفصل این مجاری اثرگذاری در بخش دوم ارائه گردید. اما در رابطه با مقدار ناچیز این اثرگذاری، دلایل متعددی وجود دارد که به عنوان نمونه می‌توان به ایرادات و نواقصی در وضعیت ساختاری کشورهای مورد مطالعه، نحوه اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی در این کشورها، میزان تداوم و سازگاری این سیاست با دیگر سیاست‌ها، اثرات و پیامدهای ناشی از خصوصی‌سازی در این کشورها و دلایلی از این قبیل اشاره نمود.

اما در رابطه با متغیر نسبت پس‌انداز که با نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی اندازه گرفته می‌شود، نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد مطابق انتظار، این متغیر دارای اثرگذاری مثبتی بر رشد اقتصادی بوده، به گونه‌ای که با افزایش یک درصد در نسبت پس‌انداز، رشد اقتصادی به میزان ۰.۲۳ درصد افزایش می‌یابد. با استفاده از چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک می‌توان چگونگی تأثیر پس‌اندازها بر رشد اقتصادی را توجیه نمود. بدین گونه که یکی از منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری در اقتصاد پس‌اندازها می‌باشند. با افزایش نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و در نتیجه سطح سرمایه‌افزایش خواهد یافت که افزایش تولید و رشد اقتصادی را نیز به همراه خواهد داشت. بنابراین با افزایش پس‌اندازها، رشد اقتصادی نیز افزایش خواهد یافت (البته در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک این رشد موقتی بوده و پس از رسیدن اقتصاد به سطح جدید پایدار سرمایه، متوقف خواهد شد) (قاسمی، ۱۳۸۸: ص ۱۱).

در خصوص تأثیر متغیر رشد جمعیت، نتایج مطالعه نشان

آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است، برابر است با ۰.۵۰۲. همچنین با توجه به میزان احتمال این آماره (۰.۹۹)، می‌توان به این نتیجه دست یافت که متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل (که این متغیرهای ابزاری مقدار با وقفه متغیرهای مستقل می‌باشند)، به نحو مناسبی انتخاب شده‌اند و فرضیه صفر که حاکی از قابل اعتبار بودن متغیرهای ابزاری در این برآورد می‌باشد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در ادامه به منظور تعیین مرتبه‌ی خودهمبستگی جملات اخلال از آماره آزمون آرلانو و باند استفاده شده است که نتایج در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: نتایج آزمون آرلانو و باند برای تعیین مرتبه خودهمبستگی

جملات اخلال

احتمال	مقدار آماره آزمون Z	مرتبه خودهمبستگی
۰.۲۵۴۲	۱.۱۴۰۲	۱
۰.۶۸۸۸	۰.۴۰۰۴۳	۲

مأخذ: یافته‌های محقق

براساس نتایج جدول ۴ ملاحظه می‌شود که فرضیه صفر مبنی بر نبود خودهمبستگی در جملات اخلال تفاضل‌گیری شده رد نشده و بنابراین روش آرلانو و باند روشی مناسب برای برآورد پارامترهای مدل و حذف اثرات ثابت است. به بیان دیگر، با یک مرتبه‌ی تفاضل‌گیری از جملات اخلال، همبستگی سریالی بین جملات اخلال رد شده و جملات اخلال تفاضل‌گیری شده دارای خودهمبستگی مرتبه‌ی اول و دوم نیستند.

۴-۴- تجزیه و تحلیل نتایج

نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد تمامی متغیرهای مدل مورد برآورد، دارای اثر معنی‌داری بر متغیر رشد اقتصادی می‌باشند. متغیرهای خصوصی‌سازی، نسبت پس‌انداز و مقدار باوقفه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه دارای اثری مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی، و متغیر رشد جمعیت دارای اثری منفی و معنی‌دار بر متغیر رشد اقتصادی می‌باشند.

در رابطه با اثرگذاری متغیر خصوصی‌سازی بر رشد



خواهند گذاشت. براساس این نتایج اگر خصوصی‌سازی در کشورهای عضو گروه دی-هشت یک درصد افزایش یابد، رشد اقتصادی در این کشورها در بلندمدت با افزایشی معادل ۰.۰۱ درصد همراه خواهد بود. همچنین نتایج حاکی از این واقعیت می‌باشد که با افزایش یک درصد در متغیر نسبت پس‌انداز، رشد اقتصادی در کشورهای مزبور در بلندمدت با افزایشی معادل ۰.۴۶ درصد مواجه خواهد شد. به‌همین ترتیب با افزایش نرخ رشد جمعیت به میزان یک درصد، رشد اقتصادی کشورهای مزبور با کاهشی معادل با ۱.۷ درصد همراه خواهد گردید.

جدول (۵): نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت

متغیر	نتایج برآورد کوتاه‌مدت	نتایج برآورد بلندمدت
مقدار با وقفه درآمد سرانه	۰.۴۹۷۰۲۷۲	-
خصوصی‌سازی	۰.۰۰۶۵۴۰۶	۰.۰۱۲۹
نسبت پس‌انداز	۰.۲۳۱۷۴۵۱	۰.۴۶۰۶
رشد جمعیت	-۰.۸۵۸۴۴۸	-۱.۶۹۹۴

مأخذ: یافته‌های محقق

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این سؤال که آیا مالکیت خصوصی شرکت تجاری ذاتاً مقدم بر مالکیت دولتی است یا نه، قرن‌هاست که در مرکز بحث‌های سیاسی و اقتصادی قرار دارد و همچنان لاینحل مانده است. می‌توان در دفاع از مالکیت دولتی در شرایط خاص، به ویژه در مورد انحصارات طبیعی که خدمات یا کالاهایی ضروری را عرضه می‌کنند (مانند تولید و توزیع برق یا شرکت‌های آب و فاضلاب)، دلایل نظری مستحکمی ارائه داد. اما وزنه شواهد تجربی درباره مالکیت دولتی در برابر مالکیت خصوصی، در حال حاضر قویاً به نفع کسانی است که معتقدند مالکیت خصوصی ذاتاً کارآمدتر از مالکیت دولتی است. این مطلب حتی در مورد انحصارات طبیعی صادق است و اکنون شواهد تجربی زیادی نشان می‌دهند که برای شرکت‌هایی که در بخش صنایع رقابتی (هستند یا می‌توانند بشوند) فعال هستند، مالکیت خصوصی قطعاً مقدم است.

پایان دادن به بحث مالکیت دولتی در برابر خصوصی به

می‌دهد با افزایش یک درصد در رشد جمعیت در کشورهای عضو گروه دی-هشت، رشد اقتصادی در این کشورها با کاهشی معادل با ۰.۸۶ درصد مواجه خواهد گردید. این نتیجه مطابق با نتایج انتظاری این مطالعه و سازگار با یافته‌های بورنشیر و همکاران (۱۹۷۸)، ساویدس (۱۹۹۵)، کوک و یوچیدا (۲۰۰۳)، آدامز (۲۰۰۶) و بوبکری و همکاران (۲۰۰۹) می‌باشد. به اعتقاد ایشان نرخ رشد بالاتر جمعیت یک کشور ممکن است اثرات مثبت اجرای سیاست‌های اقتصادی در جهت تقویت رشد اقتصادی را کم اهمیت نماید. نیز این نتیجه می‌تواند ناشی از کمتر بودن رشد نیروی کار شاغل از رشد جمعیت در سن کار باشد که منجر به ایجاد یک اثر منفی بر درآمد سرانه شده است. از سویی دیگر نسبت نظریه‌هایی در رابطه با اثر منفی رشد جمعیت بر رشد اقتصادی به توماس مالتوس برمی‌گردد. از نظر وی، رشد جمعیت و تمرکز سرمایه، از طریق قانون بازدهی نزولی، رشد اقتصادی را مختل خواهد کرد. میل نیز چنین می‌اندیشید. به عقیده وی در غیبت پیشرفت‌های فنی در بخش کشاورزی و رشد همه‌جانبه جمعیت، به دلیل افزونی نرخ رشد جمعیت بر نرخ تمرکز سرمایه، سود شروع به کاهش کرده و در نهایت اقتصاد در شرایط عدم امکان افزایش تولید قرار خواهد گرفت، یعنی وضعیت سکون و یا در جا زدن اقتصاد (بخشی‌دستجردی و خاکی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: صص ۲۲-۱).

در پایان نیز نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور کلی وقفه‌ی درآمد سرانه اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد در کشورهای مورد بررسی داشته است. به‌طوری که یک درصد افزایش در این متغیر با فرض ثابت بودن سایر شرایط، سبب حدود ۰.۵ درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ایجاد تغییرات در درآمد سرانه در یک دوره، تنها به همان دوره ختم نشده و رکود یا رونق در این قسمت می‌تواند دوره‌های بعد را نیز تحت تأثیر قرار دهد. نیز این پارامتر تأثیرات کوتاه‌مدت را از بلندمدت متمایز می‌نماید. این نتایج در جدول ۵ ارائه گردیده است:

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در بلندمدت چه تأثیری بر متغیر وابسته و یا رشد اقتصادی

مطالعه این است که نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در بلندمدت چه تأثیری بر متغیر وابسته و یا رشد اقتصادی خواهند گذاشت. براساس این نتایج، با افزایش یک درصدی خصوصی سازی در کشورهای عضو گروه دی-هشت، رشد اقتصادی در این کشورها در بلندمدت با افزایشی معادل ۰.۰۱ درصد همراه خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌گردد در اجرای برنامه‌های خصوصی سازی، نباید تنها در پی دستیابی سریع به نتایج مثبت این سیاست‌ها بوده و الزامی است با بهبود روش‌های خصوصی سازی، نحوه مدیریت... و مسائلی از این دست و اعتماد به نتایج بلندمدت خصوصی سازی، زمینه را در جهت هر چه بهتر پیاده شدن این سیاست و دستیابی به نتایج مدنظر آن، از جمله دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر فراهم نمود. از دیگر سو، با توجه به نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌گردد در تدوین برنامه‌های توسعه کشور تأکید بیشتری بر خصوصی سازی نهادهای دولتی (البته به صورت علمی و استفاده از تجربه‌های مفید سایر کشورهای موفق در این زمینه) صورت پذیرد.

در خاتمه، مطالعه‌ی حاضر از چندین جهت دیگر قابل ارتقاء و تکمیل می‌باشد. از جمله اینکه: با توجه به اینکه تأثیر شیوه اجرای خصوصی سازی (روش خصوصی سازی) و نحوه واگذاری‌ها (که اطلاعات آن با استفاده از داده‌های مربوط به نسبت عایدات سالانه از فروش بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی که از طریق فروش سهام به بخش خصوصی واگذار شده‌اند و پس از واگذاری به شکل سهامی عام اداره می‌شوند، به دست می‌آید) بر رشد اقتصادی، از خود خصوصی سازی (حجم خصوصی سازی) بااهمیت‌تر است، می‌توان در مطالعات آتی از داده‌های مربوط به این متغیر در رابطه با دستیابی به اهداف این مطالعه استفاده نمود. نیز می‌توان به بررسی خصوصی سازی در بخش‌های مختلفی نظیر خصوصی سازی در زیرساخت‌ها و مواردی از این دست، و تأثیر آن بر رشد اقتصادی پرداخت. از سویی دیگر می‌توان با بررسی این مطالعه برای کشورهای توسعه‌یافته و نیز نمونه‌های بزرگ‌تر، دوره‌های زمانی مختلف، سایر روش‌های اقتصادسنجی و نیز با وارد نمودن و بررسی متغیرهای دیگری که می‌توانند در مدل‌های

نفع مالکیت خصوصی، تأثیرات سیاسی و اقتصادی چشمگیری داشته است، زیرا یکی از مبانی کلیدی توجیه نظری برنامه‌های خصوصی سازی را در سراسر جهان فراهم آورده است. دومین توجیه عمده برای واگذاری مالکیت دولتی در بخش‌های اقتصادی، دلیل مالی است. خصوصی سازی نه تنها تعهد دولت برای پرداخت یارانه به بنگاه‌های دولتی متضرر را از بین می‌برد، بلکه دولت‌ها از محل فروش آن‌ها در خلال ربع قرن گذشته، ۱/۲۵ هزار میلیارد دلار درآمد کسب کرده‌اند. اگرچه بسیاری از دولت‌ها از این درآمد باآورده به صورتی اصولی (برای توقف اخذ وام یا کاهش بدهی‌های موجود) استفاده کردند، اما کشورهایی نیز هستند که این درآمدها را واقعاً حیف و میل کرده‌اند.

در مطالعه حاضر علاوه بر بررسی اثرگذاری متغیر خصوصی سازی، میزان و نحوه اثرگذاری متغیرهای دیگری همچون مقدار باوقفه تولید ناخالص داخلی سرانه، نسبت پس‌انداز و رشد جمعیت بر متغیر رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این مطالعه و نیز مطالعات پیشین در این رابطه، حاکی از این واقعیت بود که علاوه بر اینکه جایگزینی برای خصوصی سازی به عنوان ابزار بهبود عملکرد بنگاه‌های دولتی وجود ندارد، انجام صحیح این فرایند نیز به بهبود رشد اقتصادی (هر چند اندک) برای کشورهای عضو گروه دی-هشت می‌انجامد. به گونه‌ای که با افزایش هر یک درصد در میزان خصوصی سازی در کشورهای گروه دی-هشت، رشد اقتصادی در این کشورها معادل ۰.۰۰۶ درصد افزایش خواهد یافت. بنا بر مبانی نظری ارائه شده در بخش دوم این مطالعه، این افزایش در خصوصی سازی از مجاری متعددی می‌تواند باعث اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه گردد، که توضیح مفصل این مجاری اثرگذاری در بخش دوم مقاله ارائه گردید. در رابطه با سایر متغیرهای بررسی شده در این مطالعه نیز، متغیرهای نسبت پس‌انداز و مقدار باوقفه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه دارای اثری مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی، و متغیر رشد جمعیت دارای اثری منفی و معنی‌دار بر متغیر رشد اقتصادی می‌باشند.

همچنین از نتایج مفید و خاص روش مورد استفاده در



رشد تجربی دیگر مورد استفاده قرار گیرند، حساسیت نتایج

کلی مطالعه را بررسی نمود.

منابع فارسی:

- بخشی دستجردی، رسول و خاکی‌نجدآبادی، ناهید (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر جمعیت بر رشد اقتصادی در چارچوب الگوی رشد بهینه در اقتصاد ایران (۱۳۸۶-۱۳۵۰) کاربردی از الگوریتم ژنتیک"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۶، صص ۱-۲۲.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۸۳)، "طراحی مدل خصوصی‌سازی در ایران"، انتشارات دانشگاه صنعت آب و برق (شهید عباسپور)، تهران.
- رزمی، سیدمحمدجواد؛ شهرکی، سارا و کلایی، محمدرضا (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب"، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۵۹، صص ۱۶۲-۱۳۷.
- رضایی‌دولت‌آبادی، حسین؛ صمدی، سعید و ناجی‌زواره، حسام (۱۳۹۰)، "تحلیل تأثیر خصوصی‌سازی بر توسعه بازار سهام در ایران"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، صص ۹۷-۱۱۲.
- رضوی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، "افزایش کارایی با سیاست خصوصی‌سازی در ورزش"، مجله حرکت، شماره ۲۳، صص ۵-۲۲.
- زرین‌قلم، غلامحسین (۱۳۸۴)، "ارزیابی پیامدهای کلان اقتصادی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- سوری، علی (۱۳۸۹)، "اقتصادسنجی همراه با کاربرد نرم افزار ایویوز ۷"، نشر فرهنگ‌شناسی، چاپ اول، تهران.
- قاسمی، مجتبی (۱۳۸۸)، "بازارهای مالی و توسعه اقتصادی، نگاهی به نقش سیستم‌های مستمری بر بازارهای مالی و توسعه اقتصادی، واحد مطالعات و تحقیقات بیمه‌ای مؤسسه حسابرسی"، صندوق بازنشستگی کشوری، تهران.
- کیان‌پور، سعید (۱۳۸۸)، "بررسی اجمالی خصوصی‌سازی در چند کشور منتخب با اشاره ای بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴"، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، صص ۲۰-۲.
- محمدزاده، پرویز؛ ممی‌پور، سیاب و فشاری، مجید (۱۳۸۹)، "کاربرد نرم‌افزار استتا در اقتصادسنجی"، نشر نور علم و دانشکده علوم اقتصادی، چاپ اول، جلد اول، تهران.
- مسعودی، آتوسا (۱۳۸۹)، "ارزشیابی عملکرد خصوصی‌سازی و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی برنامه چهارم توسعه اقتصادی"، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
- مشیری، سعید (۱۳۸۹)، "خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه بین‌کشوری"، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۹۰، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- منصف، عبدالعلی؛ ترکی، لایلا و علوی، سیدجابر (۱۳۹۲)، "تحلیل اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه دی-هشت: علیت گرنجر پانلی با رویکرد بوت‌استرپ (۲۰۱۰-۱۹۹۰)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره دهم، صص ۹۲-۷۳.
- نजारزاده، رضا و تاسان، مونا (۱۳۹۰)، "خدمات گردشگری در کشورهای گروه دی-هشت، شناسایی توانایی‌ها و مزیت‌ها در این کشورها"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- نصراللهی، خدیجه؛ آقایی، کیومرث و باقری‌زمانی، نوشین (۱۳۸۸)، "ارزیابی روند بازدهی سهام شرکت‌های خصوصی‌سازی شده از طریق بورس اوراق بهادار"، فصلنامه حسابداری مالی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۹-۴۲.

منابع انگلیسی:

- Abdoua, A. and Moshiri, S. (2009), "Privatization and Capital Formation in Developing Countries: an Empirical Analysis", *International Review of Applied Economics*, 23(5), pp.557-575.
- Adams, S. (2006), "The Impact of Privatization on Economic Growth and Income Inequality in Sub-Saharan Africa", *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, 31(12), pp.295-320.
- Adams, S. and Mengistu, B. (2009), "Privatization, Governance and Economic Development in Developing Countries", *Journal of Developing Societies*, 24(4), pp.415-438.
- Arellano, M. and Bond, S. (1991), "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations", *Review of Economic Studies*, 58(12), pp.277-297.
- Arellano, M. and Bover, O. (1995), "Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error Component Models", *Journal of Econometrics*, 68(12), pp.29-51.
- Bakhshi Dastjerdi, R. and Khaki Najafabadi, N. (2011), "The Effect of Population Growth on Economic Growth within the Framework of Optimized Pattern in Iran (1350-1386), Application of Genetic Algorithms", *Journal of Economic Studies*, 46(12), pp.1-22.
- Barnett, S. (2000), "Evidence on the Fiscal and Macroeconomic Impact of Privatization", IMF Working Paper No.130, Washington.
- Barro, R. (1991), "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, 106(12), pp.407-443.
- Bennett, J., Estrin, S. and Urga, G. (2006), "Methods of Privatization and Economic Growth in Transition Economies", *Journal of The European Bank for Reconstruction and Development*, 15(4), pp.661-683.
- Blundell, R. and Bond, S. (1998), "Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models", *Journal of Econometrics*, 87, pp.115-143.
- Bornschieer, V., Chase-Dunn, C. and Rubinson, R. (1978), "Cross-National Evidence of the Effects of Foreign Investment on Economic Growth", *American Journal of Sociology*, 84, pp.651-683.
- Boubakri, N., Smaoui, H. and Zammiti, M. (2009), "Privatization Dynamic and Economic Growth", *Journal of Business and Policy Research*, 4(2), pp.16-44.
- Cook, P. and Uchida, Y. (2003), "Privatization and Economic Growth in Developing Countries", *The Journal of Development Studies*, 39(6), pp.121-154.
- Filipovic, A. (2005), "Impact of Privatization on Economic Growth", *Issues in Political Economy*, 14, pp.1-22.
- Ghasemi, M. (2009), "Financial Markets and Economic Development, the Role of Pension Systems in the Financial Markets and Economic Development", *Insurance Institute of Research and Studies*.
- Hayek, F. (1949), "Economics and Knowledge in Individualism and Economic Order", London: Routledge and Kegan Paul.
- Heydari, Gh. (2004), "Designing Privatization Model in Iran", *Shahid Abbaspoor University of Technology Publications*.
- Hsiao, C. (1986), "Analysis of Panel Data", *Econometric Society Monographs*, New York: Cambridge University Press.
- Kianpour, S. (2009), "Overview of Privatization in Selected Countries with Reference to the General Policies of 44th Article", *Commercial studies*, 38, pp.2-20.
- Koopman, T.C. (1965), "On the Concept of Optimal Economic Growth, The Econometric Approach to Development Planning", *Pontificiae Academiae Scientiarum Scripta Varia*, 28, pp.225-300.
- Levine, R. and Renelt, D. (1992). "A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions", *American Economic Review*, 82, pp.942-963.
- Madani, Y. and Bekmamadovich, J.Sh. (2012), "An Investigation of Economic Effects of Privatization in Iran", *Journal of Basic and*



Applied Scientific Research, 2(4), pp.3660-3663.

Masoudi, A. (2010), "Performance Evaluation of Privatization and its Impact on Macroeconomic Variables of the Fourth Economic, Social and Cultural Plan of Iran (2005-2009)", Master's Thesis, Islamic Azad University of Khomeini'shahr branch.

Megginson, W., Robert, L., Nash, C. and vanRandenborgh, M. (1994), "The Financial and Operating Performance of Newly Privatized Firms: An International Empirical Analysis", Journal of Finance, 49, pp.403-452.

Mohamadzadeh, P., Mamipour S. and Feshari, M. (2010), "Stata Software Applications in Econometrics", School of Economic Sciences Publication, First Edition, Volume I, Tehran.

Monsef, A., Toriki, L. and Alavi, S.J. (2013), "Investigation of the Effects of Financial Development on Economic Growth in D8 Countries Group: A Bootstrap Panel Granger Causality Analysis", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 3(10), pp.73-92

Moshiri, S. and Abdoua, A. (2010), "Privatization, Regulation, and Economic Growth in Developing Countries: An Empirical Analysis", International Journal of Interdisciplinary Social Sciences, 5(3), pp.79-106.

Moshiri, S. (2010), "Privatization and Economic Growth: a Cross-Country Study", Journal of Economic Research, 11(90), pp. 141-158.

Najarzadeh, R. and Tasan, M. (2011), "Tourism Services in the Group of D-8 Countries, Identify Strengths and Advantages in these Countries", Economic Research Journal, 11(1), pp. 101-118.

Nasrollahi, Kh., Aghaei, Q. and Bagheri'zamani, N. (2009), "Evaluation of the Performance of Privatized Companies through the Stock Exchange", the Financial Accounting Quarterly, 1(2), pp.42-59.

Nickell, S. (1981), "Biases in Dynamic

Models with Fixed Effects", Econometrica, 49, pp.1399-1416.

Razavi, S.M.H. (2004), "Increase the Efficiency of the Privatization Policy in Sport", Travel Journal, 23, pp.5-22.

Razmi, S.M.J., Shahraki, S. and Kalaei, M. (2011), "The Relationship between International Trade and Economic Growth using Indicators of Good Governance", Journal of Business Research, 59, pp.137-162.

Rezaei Dolatabadi, H., Samadi, S. and Naji zavareh, H. (2011), "The Impact of Privatization on Stock Market Development in Iran", Journal of Accounting, 3(1), pp.97-112.

Romer, P.M. (1986), "Increasing Returns and Long-Run Growth", Journal of Political Economy, 94, pp.1002-1037.

Rowthorn, B. and Chang, A. (1993), "Public Ownership and the Theory of the State", in the Political Economy of Privatization, Clarke, T. and C. Pitelis (eds.), London: Routledge.

Savvides, A. (1995), "Economic Growth in Africa", World Development, 23, pp.449-458

Selvam, J. and Rajan, A.M. (2008), "Privatization and Economic Growth in the Least Developed Economies: Empirical Evidences from Ethiopia", IUP Publications, The IUP Journal of Applied Economics, 7(2), pp.57-79.

Solow, R. (1956), "A Contribution to the Theory of Economic Growth", Quarterly Journal of Economics, 70, pp.65-94.

Souri, A. (2010), "Econometrics Along with the Use of Eviews 7 Software", Farhang Shenasi Publication, first edition, Tehran.

Willner, J. (2003), "Privatization: A Skeptical Analysis", in D. parker and D. saal, International Handbook on Privatization, Cheltenham: Edward Elgar.

Zarinqhalam, Gh. (2005), "Macroeconomic Impact Assessment on the Third Economic, Social and Cultural Plan of Iran", M.Sc. Thesis, Isfahan University.